

جنايات تاريخی ضد بشری با «فتوا» بازی

در حاشیه فتوای شورای سراسری علمای؟! افغانستان در مورد سیمین بارکزی

درینجا میخوانید:

- ریشه ی **فتوای** شورای علمای افغانستان

- **فتاوا** در ازمنه تاریخ؛؛ از تاریخ باید آموخت!

- یک سند تاریخی مقاومت ملا عمر؛ مدعی تطبیق شریعت غرای محمدی در برابر آیات قرآنی!

- فلم مستندی از آقای رضا گیلانی نخست وزیر دولت اسلامی پاکستان، تعرض به یک خانم در ملاء عام

- فلم مستندی از کشوری بنام دولت اسلامی و رهبران بیخبر از دین اسلام

- سیمین بارکزی زن حماسه آفرینی که کاخ استبداد و بیدادگری جهانی را به لرزه درآورد

- با مبارزه ی روشنگرانه و متمدنانه، پیروزی از آن مردم خواهد بود!

اولتر از همه به زنان کشور از جمله بانو سیمین بارکزی این زن قهرمان و حماسه آفرین وطن درود و ارج فراوان گذاشته و به ایشان و سایر زنان قهرمان سر تعظیم و احترام فرود میآورم و به مناسبت پیروزی شاندار این شیر زن در برابر مشتی حاکم جبار ولی جبون و زبون تبریک و تهنیت میگویم .

هرچند رسانه های افغانی در داخل و در خارج از کشور، اعتصاب غذایی و اقدام دادخواهانه ی خانم بارکزی را در شعاع وسیعی بازتاب داده اند که من در مورد بر حق بودن و یا نبودن آن ها نمیخواهم بیشتر تبصره ی داشته باشم.

بهمین ترتیب، حالا از دولت مزدور و مافیایی ایکه مشغله اش همیاری با برنامه های دشمنان مردم و در نهایت انسان و بشریت است و در کشانیدن کشور به بحران عمیق سیاسی- اقتصادی و نظامی، با آنها در یک مسیر جنایتکارانه همسویی و همپایی دارد؛ هم توقعی نداریم.

از دولت مزدور چه گلایه؟ زیرا طی ده سال تمام ثابت شد که شعار های دروغین تامین صلح و امنیت، دموکراسی، دفاع از حقوق زن، نو سازی و باز سازی همه جز ژاژخوانی و مردم فریبی چیز دیگری نبود .

من در طول این مدت، درین موارد به آدرس دولتمردان افغانستان، نبشته ها و تحلیل های زیادی داشته ام؛ تا، پیشنهادات مشخص برای به کار بستن هنجار های سیاسی - اقتصادی - نظامی و دیپلوماسی نوین کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت ...بخاطر برون رفت از بن بست ها و تامین و استحکام صلح پایدار، دموکراسی واقعی در افغانستان و منطقه. شوربختانه ؛ نبود؛؛؛ چشم های بینایی که آن را ببینند و نبود؛؛؛ گوش های شنوایی که آن را بشنوند. اما دیدیم که کمیشنر عالی سازمان ملل متحد، خانم پیلی **نیز** بسان سایر حامیان و مدافعین واقعی!!!؟؟؟ و دروغین تحقق دموکراسی و دفاع از حقوق زن، به نظاره نشسته اند.

اما آنچه شگفت آور و «محیرالعقول!» مینماید، غروفش شورای سراسری علمای؟! افغانستان (گروهکی اغلب بیسواد و کم سواد در دین و دنیا و ملعبه بدست ارتجاع سیاه منطقه و جهان) است که به یکبارگی نمایان شد، قد بر افراشت، نعره کشید و در مورد خانمی که بخاطر حق و عدالت به یگانه راهی که میتوانست، به مبارزه و مجاهده پرداخت ؛ **گویا فتوای شرعی** صادر نمود. این شورای نامنهاد که باز هم از دین و مذهب برای اهداف سیاسی استفاده سوء کرده و این حرکت مدنی خانم بارکزی را غیر شرعی خوانده اند، چنین **فتوا** صادر نموده است: « شورای علمای افغانستان تعذیب و قتل نفس را براساس نصوص قرآنی و احادیث نبوی مانند قتل و تعذیب نفس دیگری، حرام شمرده است. شورای علمای افغانستان در این فتوای خود اعتصاب غذایی را تلاش برای خود کشی عنوان کرده است.»

(1)

مسلماً آن‌عه مردم افغانستان که هنوز آنها را «علما؟» تصور میکنند ؛ متوقع بودند که این شورای سرکاری و دولتی، تباهی های وطن و کشتار های مردم به خاک و خون نشسته ی مان را از نظر حقیقت دین و احکام خداوندی ارزیابی و قیمت گذاری نمایند ؛ از جنایات عمال خارجی (گروهک های مزدور پاکستان و ایران؛ طالبان و تروریستان دیگر)، بمباردمان نیروهای خارجی، تجاوز و راکتباران ولایات سرحدی بوسیله ی ارتش پاکستان، دعوت آشکار از تروریستان شورای کویته ی "آی. اس. آی" در کنفرانس علمای اسلامی بوسیله حکومت آخوندی ایران و حالا کی عریانتر، عملیات سازمانیافته ی انتحاری، سر بریدن ها ، فساد دهشتناک اداری و رشوه خواری و چور و چپاول دارایی های عامه و حقوق صغیر و کبیر ؛ افزایش کشت و قاجاق مواد مخدر و تزاید روز افزون دچار شدن نسل جوانان کشور (یگانه امید باقیمانده برای مردم و سازندگان فردای وطن) به اعتیاد به مخدرات ، ... به آن می باشد، به حکم خدا داد سخن بدهند ؛ ولی در برابر همه اینها بیشرمانه و ردلیلانه سکوت اختیار نموده ، و فقط علیه خواست زن و مادری که ادعا دارد حقش تلف شده است و از سر بیچاره گی دست به آخرین گونه مبارزه مدنی برای احقاق آن زده است ؛ فتوا صادر نموده اند.

امثال چنین **فتاوی** **این گونه مداریان سیاه دل و تاریک ضمیر** در دست امپریالیزم جهانخوار و صیهونیزم محیل و استبداد و جباریت را در برگپاره های سیاه تاریخ کشور خود هم کم نداریم.

تاریخ گواه است و بایست از تاریخ کشور خود آموخت !

من به صبغه های تاریخی بسیار پیشین اصدار چنین **فتاوی شرعی** و اسلامی! با بکارگیری گروهپهایی بنام امر به معروف و نهی از منکر درین امر ، به ویژه بعد از ظهور اسلام و قرون متمادی ایکه ارتجاع سیاه منطوقی و جهانی با کاربرد ابزاری سلاح نیرومند و کاری ادیان و مذاهب عدیده ، با حيله و نیرنگ؛ و چال و فریب انسان ها را گوسفندوارانه پیهم گول زده، اهداف و غایه های آزمندانه و کین توزانه ی سیاسی - اقتصادی خویش را تعمیل میکردند؛ تماسی نمیگیرم ، بل نزدیک ترین این کاربست ها را بسیار بسیار کوتاه، از زمان امیر حبیب اله خان پدر شاه امان الله غازی در اوایل سالهای 1900، که در دل تاریخ کشور ثبت است میخوام مورد کنکاش، مقابله و مقایسه قرار دهم.

« در اجتماع آن زمان افغانستان فشار سیاسی دولت مرکزی مطلق العنان با عث رنجش کشور میگردد. مخصوصاً" که دولت از نگاه سیاست خارجی تحت نفوذ دولت انگلیسی قرار داشته و مردم خواهان استقلال کشور از نفوذ خارجی و مخالف استبداد و ظلم دولت مطلق العنان مرکزی بودند.

شاه که به صفت یک زمامدار مطلق العنان در راس اداره ی کشور قرار داشت، مملکت را به عمال بی مسولیت دولت وا گذاشته بود، و خود در دریای بیکرانه ی عشرت و انانث فرو رفته بود، و حتی خلاف مقررات مذهبی بیشتر از 100 زن غیر شرعی از مردم حُر و آزاد افغانستان در حرمسرای خود جمع کرده، و ده ها اولاد غیر قانونی ((حرامزاده. نگارنده)) بوجود آورده بود... **مولوی** عبدالرب خان قندهاری مدیر معارف کابل وظیفه داشت که برای هر زنی از حرم امیر القاب عربی تهیه، و برای ازدواج نامحدود **فتاوی** **شرعی** صادر کند. این قبیل ملا های مستخدم باصطلاح دست بدامن ((حيله ی شرعی)) زدند و گفتند:

- تملک زنان از ((دارالحرب)) غیر معدود و آزاد است.

و چون امیر عبدالرحمن خان پدر شاه موجود یکوقتی در نورستان جهاد کرده بود، آن ولایت مسلمان شده، منزلت دارالحرب را دارد. و شاه میتواند از آنان هر قدر زن بگیرد. امیر حبیب الله خان ازین **فتوا!** هم تجاوز کرد و از جاهای دیگر که حتا ((دارالحرب)) کذایی نبودند، به جمع آوری زنان پرداخت. و یکعده ی دیگر را بنام ((خدمه)) در تعداد آنان افزود.» 2.

پیامد مبارزات قهرمانانه و شجاعانه ی مرم غیور افغانستان به رهبری جریان سیاسی مترقی در دربار افغانستان تحت قیادت شاه امان الله خان؛ زوال امپراطوری بزرگ استعماری خون آشام جهان را محتوم و از زیرساخت و رشکست ساخت.

انگریز ها برای انتقام جویی ازین شکست ذلتبار و شرمگنانه ؛ دولت جوان شاه امان الله خان را واژگون، نوکران و جیره خواران زر خرید خود را که در هند بریتانوی ریزرف داشتند (خاندان یا پسران سلطان محمد طلایی) را ، دوباره بر سرنوشت ملت ما حاکم ساختند.

انگریز بار دگر نیز توانست از طریق این حکام مزدور، بر تمام ادارات، امورات و شئونات دولتی و غیر دولتی کشور نفوذ کند و فرمان راند.

زمانیکه دولت شاهی استعماری بریتانیای کبیر " شاه نادر " را به قدرت رسانید؛ انگریز برنامه های ویژه ارتجاعی ایرا که خود همیشه مورد کاربرد موثر قرار داده بود؛ توسط دولت نو بنیاد نادر شاه بنا نهاده و عملی ساخت. طوریکه در تاریخ آمده است: « از طرف دولت به تمام خان ها، روحانیون و رؤسای قبایل بلاد داده شود. در همین سال برای

خانقاهای روحانیون و ملاها و مشایخ معاش مستمری مقرر شد. و شاه(نادر) امر کرد که در عیدها برای هریک اینها خلعت و دستار اعطا گردد...

در دسامبر 1929 - اصولنامه تاسیس جمعیت ملاها تصویب و متعاقب آن در کابل مؤسسه ی ((جمعیت العلماء)) مرکب از ملاها و فقهای طرفدار دولت نادری تأسیس گردید. 3.

این جمعیت العلمای سرکاری (در دیگر مواقع) خاموش بودند و **(تنها)** در مواقع خاص منادیان سر سپرده ی اسلام! بودند و وفق منافع حاکمان فتاوی شرعی!؟ سیاسی صادر مینمودند. این ملاهای مفتخوار سرکاری؛ در طول تاریخ کشور فقط همین وظیفه ی ایشان بوده است.

از ابتکارات و خدمات برجسته ی این دولت در عرصه ی معارف و تعلیم و تربیه ی نسل جوان کشور: « نخستین کاری که سلطنت نمود، انسداد مدارس زنانه، انجمن نسوان کابل و جریده ی ارشاد نسوان بود. شاگردان افغانی را از کشور ترکیها اجباراً رجعت داد و در **زیر برقه و دلاق مستور نمود...** حتی 9 نفر ازینها را بمجرد رسیدن در کابل داخل زندان نمود (شماره 55 حوت 1310 جریده ی دولتی اصلاح)». 4. این همه به پشتیبانی و حمایت بیدریغ ملاها صورت میپذیرفت.

این خاندان سلطان محمد طلایی بود که زیر ارشادات و رهنمودهای انگریزیها با سوء استفاده از شریعت اسلامی به جنایات سازمانیافته پرداخته و طی نیم قرن تمام مردم مان را در تاریکی و جهل نگهداشت.

هکذا هزاران سند و ثبوت محکمه پذیر وجود دارد که طالبان؛ یک پروژه ی **انگلیسی** بود و چون کار تخنیکی هر پروژه ای با در نظر داشت تجارب و آموزه های متخصصین امور باید عملی شود. ما دیدیم که این متخصصین و اکسپرت های امور درین پروژه ی سیاه، در نقاب شریعت اسلامی، گروپک های " امر به معروف و نهی از منکر "، ساخته و با اصدار صد ها **فتوای پاکستانی**، برای تحقق اهداف **انگریزی** چگونه به چشم مردم خاک پاشیدند، و بر زمینه ای که قبلاً توسط **استادان** جهادی شدیار و آماده کرده بودند؛ **طالبان** جامد فکر و وحشی را بر 95 فیصد از خاک افغانستان مسلط ساختند.

یک سند تاریخی مقاومت ملا عمر؛ مدعی تطبیق شریعت غرای محمدی در برابر آیات قرانی

یکی از سیاست های درشت طالبان، زن ستیزی است که به همه ی هموطنان تثبیت و در تاریخ کشور تسجیل یافته است.

قبلاً در زمان حاکمیت دستنشانده ی انگلیس (سلطنت نادر) زیر نقاب خود ساخته ی شریعت اسلامی برای به بند کشانیدن زنان کشور تحت نام " امر رسمی " چنین روش ها عملی شده بود : « در عید های رمضان و قربان، مردان و زنان دهات در میدان های وسیعی یکجا شده و به بازیها و تخم جنگی و اثن میپرداختند. اجتماع زنان جداگانه و در نزدیک اجتماع مردان بعمل می آمد. ولی در یکی از این اجتماعات بود که سردار علاقه دار رسید و گفت: ((چون دولت اسلامی اعلیحضرت معظم همایونی پابند شریعت اسلامی است، بعد از این نباید زنان در ایام عید بغرض میله در میدان های ازاد برآیند. وگر زنی از خانه برآمد مردش مجازات میشود)) اینست که در عید دیگر، میله ی مخصوص مردان شد و از زن خبری نبود» 5- صفحه 185

این در حالی بود که زنان افغانستان حدود بیشتر از 1800 سال قبل در دوران حاکمیت کوشانیها در محافل و مجالس رسمی حضور میافتند و یکجا با مردان در مورد سرنوشت کشور شان تصمیم میگرفتند. 6

میبینیم که این تصمیم ارتجاع سیاه بود برای منزوی ساختن نیمی از پیکر جامعه که با استفاده از شریعت دین مبین اسلام برای رسیدن به اهداف نامشروع خود عملی میساختند.

به این سند دیگر توجه فرمائید که به وسیله آقای کیول نویسنده نامدار امریکایی افشا گردیده است:

« اعلان طالبان در مورد تخریب مجسمه های بودا سروصدای زیادی را به سطح جهانی ایجاد کرد که (چنین اقدامی) معمولاً در پی قتل های عام مردم از طرف آن گروه (هم) به مشاهده نمیرسید.

مسئولان موزیم ها و رهبران دولت ها از طالبان خواستند تا از تخریب این مجسمه ها دست بردارند. واکنش ملا عمر همه را به تعجب برداشت (چه نبوغی؟ یا خدعه ای؟؟ نگارنده).

ملا عمر گفت: ما نمیدانیم که چرا مردم این قدر نگران اند! ما تنها این سنگها را میشکنیم!

کشور های شرق آسیا که پیروان بودا داشتند و به پاکستان کمک مالی میسراندند، از دولت مشرف خواستند تا برای جلوگیری از تخریب مجسمه های بودا در بامیان اقدام کند. جنرال مشرف از معین الدین حیدر (جنرال متقاعد اردوی پاکستان و وزیر داخله در زمان جنرال مشرف رییس جمهور پیشین پاکستان. نگارنده) خواست به قندهار برود و ملا عمر را به خود داری از تخریب آنها تشویق نماید (مشرف شاید بیخبر بود از اینکه این امر آی اس آس در مورد تخریب بودا قبلاً" اصدار یافته است. نگارنده).

حیدر با علمای اسلامی پاکستان در مورد مشوره کرد تا دلایل دینی برای خود داری از تخریب مجسمه ها با خود داشته باشد. معین حیدر به خانه ی جدید ملا عمر در حومه ی

قندهار برده شد که توسط بن لادن برای او ساخته شده بود... ملا عمر به معین حیدر گفت: ما بعد از شش ماه مشورت به این نتیجه رسیدیم، تا مجسمه ها را خراب کنیم.

معین حیدر آیاتی از قرآن را خواند که در آن آمده بود مسلمان ها به خدایان ادیان دیگر دشنام ندهند و خدا خود در روز آخرت تصمیم میگیرد که چه کسی با ارزش است.

او مثال هایی از تاریخ آورد که مسلمانان چگونه در مصر و جا های دیگر مجسمه های مربوط به متدیان دیگر را به جای خود گذاشتند. مجسمه های بودا در افغانستان قبل از اسلام ساخته شده بودند و هزاران سرباز مسلمان ازین کشور به مقصد رسیدن به هندوستان گذشتند، ولی این مجسمه ها را به حال خود گذاشتند.

معین حیدر سوال کرد که مسلمان ها طی 1500 سال این مجسمه ها را خراب نکردند، چرا اکنون خراب شوند؟

ملا عمر گفت: شاید آن ها وسایل تخریب آنها را در اختیار نداشتند. (این همه اظهارات در حالی است که یونت های استحکام اردوی پاکستان برای تخریب این تندیس ها در ولایت پروان مدت ها آمادگی گرفته بودند. نگارنده). حیدر جریان صحبت های خود با ملا عمر را به سفارت امریکا گزارش داد که بعداً به واشنگتن ارسال شد. «7 - صفحات 620 و 621

بلی هموطن! دیدیم که باورمندی و ایمانداری ملا عمر مجاهد فی سبیل الله!؟ به دساتیر و فرمانهای " آی اس. آی. " بیشتر است تا احکام و آیات قران کریم.

آن **فتاوا بیکه** در لابراتوار های سازمان جاسوسی اردوی پاکستان ساخته و به آن پرداخته شده؛ و برای ملا صاحب عمر مجاهد ارسال میشود، نسبت به آیات قرانی مقدستر و واجب الاجراتر است.

آیا این همه ملا های مفتخوار و مولوی های مزدور نبودند و نیستند که از دیگر مهره های در دست استخبارات سبقت بسته، فعالیت؛ سهلتر و موثر از اوامر باداران شان پیروی کرده و نقش اساسی را در به تحقق رسانیدن فرایند اهداف شوم دشمن ایفانمودند و مینمایند.

" چو کفر از کعبه بر خیزد ، کجا ماند مسلمانی".

حالا میبینیم که ملاها در مساجد (خانه های خدا) تروریست ها را برای به خاک و خون کشاندن مردم جا داده با ایشان همکاری مینمایند. اکنون میبینیم که در گزارش کمیسیون سنا در مورد پیگیری وقایع حمله به یوناما در مزار شریف چنین رسوا میشود که ملا های شورای ولایتی (بنام های مولوی عبدالروف توانا، مولوی ظاهرالله، مولوی عبدالوکیل فرقانی، مولوی عبدالهادی و مولوی عبدالقهار) یعنی موقف همه مولوی و بالاتر از چلی و ملا در مزار شریف، رهبری این خشونت ها را عهده دار بوده اند. آیا شورای نام نهاد صلح افغانستان از نمونه های حتی خطرناکتری ازین نوکران زرخرید پاکیزه خواهد بود؟؟ به کدام دلیل و به کدام ضمانت؟؟ که با نیروهای پیاده نظام برونمرزی پاکستان (طالبان) مصروف مذاکره و معامله اند.

زیرا ازین قماش ریشو هایی بنام ملا و مولوی درین شورا بیشتر حضور فعال دارند و رسانه های تصویری و شنیداری «امپریالیزم اطلاعاتی» نقش گسترده ایرا طی ده سال اخیر در شستشوی مغزی هموطنان به بدوش گرفته اند که از دید ریش و استفاده از لباس های محلی در شهر ها و حتا دوایر رسمی (به سرمدمداری آقای حامد کرزی)، یکی از موارد طرف نیاز تحقق اهداف روانشناسانه و استخباراتی آن ها در افغانستان شمرده میشود.

کنفرانس لندن (28 جنوری 2010) که به ابتکار انگریز گشایش یافت ؛ بصورت صریح و رسمی نیات و سیاست شوم ارتجاعی انگریز را به نمایش گذاشت که، انگریز با طالبان است و طالبان از انگریز. منطق مسلط «دین اسلام» بدست ایشان است. و نوکران معلوم الحال و تاریخی انگریز، چون جنرالان فاشیست و دیگر پنجابی های نوکرمنش پاکستان، وهکذا اراذیل آل سعود تحقق بخشنده گان اصلی مالی برنامه های شان در منطقه. که من اسناد کافی برای افشای ماهیت اصلی آل سعود نزد خویش دارم و با اغتنام از فرصت در اختیار خوانندگان قرار خواهم داد. زیرا وعده کرده ام که درینجا بسیاذ بسیار مختصر و فشرده بنویسم.

شورای نام نهاد صلح که اکثریت ایشان را چنین افراد نوکر صفت و جهلورز تشکیل میدهند، به کمک اعلیحضرت حامد کرزی میخواهند با این خائنین ملی مذاکره و ایشان را در سیستم سیاسی و نظامی کشور سهیم سازند.

این ملا ها بشمول ملا عمر در مدارس دینی پاکستان شستشوی مغزی شده اند. نزد کسانی که خویشان را مدعیان اصلی اسلام و شریعت محمدی در جهان جا زده اند، اما خود بمثابه ابزاری در دست دشمنان اسلام اند.

آیا در پاکستان عالم دینی ای وجود دارد تا **فتوایی** در مورد صدر اعظم پاکستان صادر نماید؟
خواهشمندم این دو ویدیوی ضد شریعت اسلامی را به تماشا گیرند و خود قضاوت نمایند که
سند انکار ناپذیر تاریخی است: 8
- تجاوز رضا گیلانی به یک خانم:

http://www.youtube.com/watch?v=eMBy_OIJM6Q

- رهبران و زعمای یکی از بزرگترین کشورهای که خود را مدعیان اصلی شریعت و
فتاوی اسلامی میخوانند و میخواهند شریعت و ریش سازی شان را در افغانستان و آسیای
میانه جاری سازند؛ منطقه را برای بادران خود یک دست، بنیادگرایی اسلامی سازند تا به
محض اصدار فتاوی شریعی اسلامی؟! علمای مزدور؛ به هرگونه غارتگری و رسیدن به
منافع ارتجاع منطوقی- بین المللی در تمام بلاد اسلامی جهان نایل آیند .

http://www.youtube.com/watch?v=Plvxa_x5Q78&feature=related

سیمین بارکزی زن حماسه آفرینی که کاخ استبداد و بیدادگری کرسی - فهمیم نه ؛ بلکه امپریالیزم جهانی را به لرزه درآورد!

شماری از اعضای ولسی جرگه و شاهدان می گویند پنجشنبه شب نزدیک به چهارصد مامور
پلیس با یورش به خیمه‌ی سیمین بارکزی، او و چند تن دیگر را که به حمایت از خانم
بارکزی دست به اعتصاب غذا زده بودند، با خود بردند. گفته می‌شود که ماموران پلیس
برای برچیدن خیمه‌ی سیمین بارکزی از خشونت استفاده کرده و به شوهر و برادر خانم
بارکزی دست بند زدند.

سیمین بارکزی که نزدیک به دوماه پیش با هشت تن دیگر از اعضای سابق ولسی جرگه از
سوی کمیسیون مستقل انتخابات سلب صلاحیت شده بود، در اعتراض به این تغییر از
چهارده روز به این سو دست به اعتصاب غذایی زده است.

وزارت امور داخله اعلام کرد که خانم بارکزی اکنون در شفاخانه‌ی نظامی سردار محمد
داوودخان به سر می‌برد و وضعیت صحتی او نیز قناعت‌بخش است.
با این حال نیلوفر ابراهیمی نماینده‌ی ولایت بدخشان در ولسی جرگه که در زمان برچیدن
خیمه‌ی خانم بارکزی توسط پلیس در کنار او قرار داشت، گفت که از زمانی که خانم بارکزی
را ماموران پلیس با خود بردند، اعضای ولسی جرگه تاکنون از وی هیچ معلوماتی در دست
ندارند .

نیلوفر ابراهیمی که از سه روز پیش به این سو به حمایت از سیمین بارکزی در کنارش دست به اعتصاب غذایی زده بود، گفت او نیز از جمله کسانی بود که توسط پلیس برده شد. خانم ابراهیمی افزود: «بیش از چهارصد پلیس با نزدیک دوصد رنجر اطراف خیمه‌ها را محاصره کردند. بعداً حدود پانزده الی بیست خانم پلیس با پلیس مرد داخل خیمه شدند و به بسیار حالت فجیع و دردناک و حالت وحشیانه و خطرناک یک خانمی را که با شکم گرسنه سیزده روز در اعتصاب و با سیرومی که در وریدهایش جریان داشت، به یک خشونت تمام همراهش برخورد کردند. شوهر سیمین و من که در کنارش بودیم، شوهرش ولچک زده شد و آخرین دروازه سیمین به خدا، تنها یک دست من باقی بود که یک قسمت بدن من را پلیس‌های خانم به طرف خود می‌کشاندند و **سیمین با فریادی می‌گفت که داکتر (نیلوفر ابراهیمی)**

کمکم کن!

خانم ابراهیمی گفت که ماموران پلیس می‌خواستند وی را نیز **ولچک** بزنند، اما زمانی که به آنان گفت که او نماینده مردم است، ماموران پلیس از ولچک زدن بدست خانم ابراهیمی خودداری کردند.

او افزود سیمین بارکزی به صورت فجیعانه به داخل امبولانس انتقال داده شد، به طوری که در زمان انداختنش به داخل امبولانس، پاهایش نیز زیر دروازه امبولانس شدند. این عضو ولسی جرگه همچنین افزود پس از منتقل کردن سیمین بارکزی امبولانس با سرعت خیلی بالا حرکت کرد که به گفته‌ی او، خانم بارکزی در داخل امبولانس به این طرف و آن طرف امبولانس می‌خورد.

نیلوفر ابراهیمی این اقدام پلیس را کودتاه سیاه توصیف کرده افزود که خانم بارکزی در شفاخانه سردار محمد داوود خان منتقل شده است، اما تاکنون هیچ‌یک از اعضای ولسی جرگه و رسانه‌ها نتوانسته‌اند که از وضعیت صحی خانم بارکزی اطلاعی بدست بیاورند. او گفت که داکتران در شفاخانه تلاش کردند تا به خانم بارکزی ادویه بی‌حس‌کننده تجویز کنند اما وی مانع این اقدام داکتران شده است.

خانم ابراهیمی گفت: «حالا فکر می‌کنم که سیمین لادرک است، چرا که رسانه‌ها در طول روز در پشت دروازه چهارصد بستر بودند، اما... امکان دارد که سیمین در چهارصد بستر نباشد و حتا امکان دارد که زنده نباشد، چون در طول روز تماسش برقرار نشد و هم هیچ‌کس نتوانست که در حریم نظامی چهارصد بستر داخل شود.»

همچنین اسدالله سعادت، سخنگوی ائتلاف حمایت از قانون نیز در مصاحبه با خبرگزاری بی‌بی‌سی گفت که دهها مامور مسلح پلیس پنجشنبه شب، ۲۱ میزان به محل اعتصاب خانم بارکزی یورش بردند و خیمه‌های او و دیگر اعتصاب‌کنندگان را به زور برچیدند.

آقای سعادت‌ی افزود که پلیس نیلوفر ابراهیمی، نماینده بدخشان در مجلس و نه تن دیگر را که به حمایت از خانم بارکزی هم در همین محل دست به اعتصاب غذا زده بودند، با خود برده است.

سخنگوی ائتلاف حمایت از قانون همچنین گفت که ماموران پلیس اعتصاب کنندگان و همراهان آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و شماری از آنها و از جمله سیمین بارکزی و نیلوفر ابراهیمی را با خود بردند.

تصاویر ویدئویی نشان می‌دهد که ماموران امنیتی سیمین بارکزی را در حالی که برای کمک فریاد می‌زند، به زور به داخل یک آمبولانس انتقال می‌دهند و سپس خیمه و تخت خواب او را هم برمی‌چینند. 9

مبارزه‌ی روشنگرانه و دادخواهانه‌ی بانو سیمین بارکزی کاخ ستمگران را در جهان به لرزه درآورده و نوکران شانرا دست و پاچه ساخته است که به عمل جنون آمیز در برابر یک زن ناتوان و گرسنه با خشم و غضب دور از معاشرت انسانی دست می‌بازند. درینجا بجا خواهد بود تا جمله‌ی پر محتوایی را از تبصره‌ی محترم عالم افتخار اندیشمند متفکر و اندیشه پرداز نوین عصر مان اقتباس نمایم:

حسرت چنین پیروزی عظیم یک زن؛ یک مادر مبارز بر رژیم دست نشانده‌ی مزدور؛ شورای علمای مزدور و دیکته کننده گان خارجی و امپریالیستی و صیهونیستی و اولترا صیهونیستی یعنی وهابی‌ی مکه‌ای - مدینه اش فقط بردل حیوانات کالانعام نمی ماند. این پیروزی بر تمام عظمت قصر سفید و حکومت هابی چون سلطنت ریاض می ارزد. بنده فقط تشویش دارم که خانم بارکزی و خانواده و حامیانش قدر آنرا بدانند و عظمت این حماسه حقیقتاً ملی و افغانی در زمان حال را بتوانند پاسداری نمایند. یاهو سرایی کوچه بازاری مثنی مزدور بیسواد و بد اخلاق که بخصوص در ستون « نظرات خوانندگان! » بعضی ویب سایت های روزنامه ای درج شده است؛؛ نشان میداد که رژیم یک بنای ریگی بیش نیست و حتی اقدام فردی ای خردمندانه‌ی این یا آن میتواند آنرا طوری به لرزه آورد که از هم بپاشد. حالا هم خانم سیمین بسیار ستون های این رژیم ننگ و نفرت را فرو ریختانده است!!!

به تقلاهایی که جهت وادار به انصراف غیر اصولی ساختن و خریدن آبروی سیمین روئین روان انجام دادند توجه و تأمل کنید!

نفرین به رژیم قبیلوی - جهادی سیاه و سیا!

مردم افغانستان میتوانند مبارزه مدرن کنند و پیروز شوند حتی بر جهان!!!

اما جالبتر از همه این است که رئیس فراکسیون حمایت از قانون ولسی جرگه کنونی افغانستان میگوید: ما شب گذشته (شب قبل از برچیدن غیر قانونی و ضد دموکراسی نه؛ برچیدن وحشیانه و لومپن واران خیمه اعتصاب خانم بارکزی) فهمیدیم که پروگرام؛ پروگرام مارشال بود!

او ضمن اینکه با تأکید و تمسخر؛ مارشال قسیم فهیم معاون اول به اصطلاح رئیس جمهور را فاتح خیمه سیمین بارکزی میخواند؛ می پرسد که آیا این جناب کدام کشور را فتح کرده است که مارشال شده !!!؟؟؟

پرسشی سخت مهم و تاریخی و بشری!

اما جوابش ساده است و بیش از اندازه هم ساده!

به یاد می آوریم وقتی روی حساب و کتابی پروگرام های محلی و منجمله بلوچی در رادیو افغانستان آغاز گردید؛ در خبرها مارشال شاه ولی خان غازی فاتح کابل؛ را به زبان بلوچی؛ شاه ولی کان کابل گیرک برگردان میکردند. که خود داستانی دراز دارد. اینک به پاسخ محترم رئیس فراکسیون حمایت از قانون مجلس باید گفت: در کشوری که کابل گیرکش مارشال بود آیا افغانستان گیرکش مارشال نمیشود؟

مگر افغانستان را ملاهای مجاهد عظام برای امریکا و غرب و انگریز فتح نکردند و در رأس آنها منجمله همین مارشال صاحب مورد نظر شما نبود !!!

مارشال صاحب قسیم فهیم جانشین قهرمان ملی احمد شاه مسعود کبیر !!!

مگر همین اکنون فقط به زور کاکا نیست که انگور به تاک هاست و سگ ها و اسپ ها در آغیل و طویله مارشال و میلیاداران جهان از حسرتش هر روز یکی پی دیگر مرده راهی استند ولو که بزرگترین قهرمان فن آوری و تکنالوژی هم باشند؟! 10!

رویکرد ها:

(1) - رادیو صدای آلمان

(2) - افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار، جلد دوم

(3) - افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار، جلد دوم

(4) - افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار، جلد دوم

(5) - افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار، جلد دوم

(6) - تاریخ تحلیلی افغانستان، عبدالحمید محتاط

(7) - کتاب جنگ اشباح؛ تاریخچه ی مداخلات « سی آی ای»، « آی. اس. آی.»، « کا. جی. بی.»، و استخبارات سعودی در افغانستان، نوشته ی ستیو کول

(8) - آرشیف نگارنده

(9) - پیام آفتاب

(10) - اشاره به مرگ " استیو پاول جابز (Steven Paul Jobs) " .

استیو جابز که کامپیوتر های « مکینتاش»، « آی فون»، « آی پاد»، « آی پد»، و تازه ترین ها (Drag-and-drop) , و طبق تازه ترین گزارشات نیویارک تایمز، مردی نابغه با 113 اختراع، این همه از محصولات و فرآورده های که در تولید و عرضه ی ان ها به بازار نقش مهمی داشته و با این محصولات پر طرفدار، اپل را به یکی از پرسود ترین شرکت های امریکا و دنیا تبدیل کرده است.

استوی جابز اخیراً" در اثر بیماری سرطان پانقراس در سن 56 سالگی پدرود حیات گفت که روحش شاد بادا.